

پرورش طرز برخوردی جاذب



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: یوحنا ۴: ۲۷ تا ۳۰، ۳۹ تا ۴۲؛ متی ۱۵: ۲۱ تا ۲۸؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۱ تا ۴؛ رومیان ۱۵: ۷؛ افسسیان ۴: ۳۲؛ اول پطرس ۳: ۱۵.

آیه حفظی: «بلکه در دل خویش مسیح را به عنوان خداوند مقدس شمارید و همواره آماده باشید تا هر کس دلیل امیدی را که در شماست بپرسد، او را پاسخ گوید، اما به نرمی و با احترام» (اول پطرس ۳: ۱۵).

هرچه بیشتر زندگی مسیح را مورد مطالعه قرار میدهم، بیشتر در توانایی او در پذیرش و تایید مردم متحیر میشویم. با اینکه او رهبران مذهبی روزگار خود را به سختی سرزنش و ملامت میکرد، اما با خوشحالی پذیرای تمام کسانی بود که با گناه مبارزه می کردند و ناامیدانه در دام گناه گرفتار شده بودند. فیض او شامل حال آنان می شد. حتی رحمت و برکت او شامل بدترین گناهکاران هم می شد. عمق بخشش او بسیار عمیق تر از ژرفای گناه آنان بود. محبت او بیکران بود.

مسیح هرگز حتی کوچکترین رفتاری از غرور و برتری از خود نشان نداد. او در همه انسان ها تصویر یکی را دید و آنهم تصویر خدایی بود که آنها را خلق کرده بود، انسان هایی که در اثر گناه سقوط کرده و حال او آمده بود تا آنان را نجات دهد. محبت او برای همه است و هیچکس از محبت او محروم نیست. هیچکس آنقدر غرق گناه نیست که فیض او نتواند شامل حالش نشود. او با تمام کسانی که ارتباط داشت با احترام و شأنی که شایسته آنان بود، رفتار کرد. مسیح مردم را برای وارد شدن به پادشاهی آسمان ترغیب میکرد، زیرا که شایستگی های آنان را باور داشت.

حضور او زندگی آنان را تغییر داده بود زیرا او عمیقاً دلسوز آنان بود. آنان برخاسته تا

آن بشوند که مسیح باور داشت که می توانند باشند.
در درس این هفته، ما به بررسی عمیق طرز رفتار و برخورد مسیح با مردم خواهیم پرداخت و چگونگی بکارگیری این اصول در زندگی خودمان را بررسی خواهیم کرد.
درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۸ شهریور - ۲۹ آگوست آماده شوید.

۲ شهریور

یکشنبه

قابلیت پذیرفتن انجیل

یوحنا باب ۴: ۷۲ تا ۰۳، و ۹۳ تا ۲۴ را بخوانید. چگونه تعامل مسیح با زن سامره ای این حقیقت را نشان می دهد که همه انسانها حتی در جاهایی که انتظار آنرا نداریم، آماده پذیرش انجیل هستند؟

تتها جایی که حواریون فکر نمیکردند که در آنجا قلبهایی آماده پذیرش پیام انجیل باشد، سامره بود. سامریان با یهودیان بر سر تعالیم و اصول عبادی دائماً در مجادله و کشمکش بودند. این دشمنی ها ده سال قدمت داشت. سامریان میخواستند تا در ساخت معبد در اورشلیم مشارکت داشته باشند ولی به دلیل تزویج با قبایل بت پرست اطرافشان و دیدگاه الحادی، این فرصت از آنها گرفته شده بود. در نتیجه، سامریان معبد خود را در کوه جرزیم بنا کردند. حواریون می توانستند بی درنگ از سامره صرفنظر کنند، زیرا برای اعلام انجیل زمینی بی حاصل بود.

مسیح چیزی را می دید که حواریون آنرا نمی دیدند، آنهم قلبهای آماده پذیرش انجیل بود. شرح حال یوحنا از حکایت زن کنار چاه با این سخنان آغاز میشود «او یهودیه را ترک کرد و دوباره به جلیل برگشت، ولی لازم بود از سامره عبور کند» (یوحنا ۴: ۳، ۴). مسیح «لازم بود» از طریق سامره عبور کند، زیرا روح القدس او را متقاعد میکرد که شاید در این مسیر که به دور از انتظارش است، قلبهایی آماده پذیرش انجیل وجود داشته باشد. وقتی چشمان ما توسط روح القدس مسح میشود، فرصتهایی را می بینند که دیگران فقط مشکلات آنرا می بینند. ما برای پادشاهی خداوند خرمن بزرگ روحهای آماده پذیرش او را می بینیم در حالیکه دیگران مزارعه بی محصول را می بینند.

اعمال باب ۸: ۴، ۵، ۱۴ را بخوانید. نتیجه نهایی خدمت مسیح در سامره چه بود؟

حواریون میتوانند از سامره عبور کنند بدون اینکه فرصتی را برای سامریان فراهم کنند تا حقیقت کلام خدا را بشنوند. آنچه را که آنان نمی دیدند، مسیح میتوانست ببیند.

او میدانست که روح القدس در قلب زن آمادگی پذیرش پیام انجیل را بوجود آورده است. تغییر چشمگیر آن زن بر تعداد زیادی از مردم آن شهر تاثیر گذاشت. اما ما همیشه فوراً نتایج تلاش‌های بشارتی خود را نخواهیم دید، همانطور که بذره‌ای کلام خدا را در قلبها میکاریم، آنها روزی برای جلال خداوند محصول خواهند داد.

ما هرگز تاثیر سخنان و اعمال خود، چه خوب یا بد، را بر دیگران نخواهیم دانست. از اینرو، چرا همیشه باید مراقب رفتار و کردارمان در حضور دیگران باشیم؟

دوشنبه

۳ شهریور

تعدیل رفتار

اغلب طرز برخورد ما با دیگران تعیین کننده توانایی ما در تاثیرگذاری بر آنان است. رفتار تند و خشن، منتقدانه، خصمانه باعث میشود تا مردم از شما دور شوند، و حتی اگر شما قادر باشید شاهد مسیح باشید، سخنان شما هرچند هم مُحق و صحیح باشد، به نظر می‌رسد زیاد از طرف آنان پذیرفته نمی‌شود.

در مقابل، رفتار مثبت و خوشبینانه و باور دیگران، باعث جلب آنان بسوی ما میشود. عیسی این اصل زیبا را اینطور بیان میکند، «دیگر شما را بنده نمی‌خوانم، زیرا بنده از کارهای اربابش آگاهی ندارد. بلکه شما را دوست خود می‌خوانم، زیرا هر آنچه از پدر شنیده‌ام، شما را از آن آگاه ساخته‌ام» (یوحنا ۱۵: ۱۵). دوستان با وجود نقاط ضعف و خطا، همیشه پذیرای یکدیگر هستند و آزادانه و با اختیار در شادیاها و غمهای یکدیگر سهیم میشوند.

متی باب ۲۱: ۱۵ تا ۲۸ و مرقس ۱۴: ۶ تا ۹ را بخوانید. این آیات دو زن را در دو وضعیت بسیار متفاوت توصیف می‌کنند. به نظر می‌رسد، مسیح با یکی با تندی و با دیگری با ملایمت برخورد می‌کند. چه نشانه‌هایی در این آیات نشان میدهند که مسیح با فیض نجات بخش خود به آنان نزدیک میشود و اعتماد آنان را بدست می‌آورد؟

زنی که در متی باب ۱۵ از آن صحبت شده، یک کنعانی است. ابتدا عیسی عمداً درخواست او را رد کرد، بنابراین همانطور که او اصرار می‌ورزید، ایمان او هم رشد میکرد. تا سرانجام مسیح خواسته او را اعطا کرد و سپس سخنی شگفت انگیز را در مورد او بیان کرد که هرگز هیچ یک از رهبران مذهبی در یهودا تا آن زمان در مورد یک زن فقیر کنعانی نگفته بودند، «ای زن، ایمان تو عظیم است!» (متی ۱۵: ۲۸). او از آن زن کنعانی با یکی از بهترین صفات که هر معلم مذهبی میتواند از او تمجید کند، تعریف و تمجید کرد. آیا

شما میتوانید تصور کنید که به چه اندازه قلب او شاد شد و زندگیش تغییر کرد؟ زنی که پاهای مسیح را با عطر گرانبها تدهین می کند، یک یهودی است، زن مشهور بیمار، فردی که در زندگیش شکست خورده و دائماً در گناه بوده، اما او مورد آموزش خداوند قرار می گیرد و متحول میشود و حیاتی نو را شروع می کند. وقتی دیگران از او انتقاد می کنند، عیسی از او تعریف و اعمال او تصدیق می کند، «آمین، به شما میگویم، در تمام جهان، هر جا انجیل موعظه شود، کار این زن نیز به یاد او بازگو خواهد شد» (مرقس ۱۴: ۹).

با توجه به دو داستان فوق که مطالعه کردیم، چه چیزی برای داشتن یک رفتار مثبت و گیرا لازم است؟ چه نوع تعدیل رفتاری نیاز دارید تا در رفتار خود، نه فقط به عنوان شاهد، بلکه بطور کلی در زندگی ایجاد کنید؟

۴ شهریور

سه شنبه

بیان حقیقت با محبت

دوستی با مردم به تنهایی برای جلب آنان بسوی مسیح کافی نیست. ما ممکن است دوستان زیادی داشته باشیم، مردمی که از بودن با آنها لذت می بریم و آنان هم از بودن در کنار ما لذت می برند، اما اگر هرگز به آنان نگوئیم که عیسی برای ما چه معنا و مفهومی دارد و اینکه چگونه او زندگی ما را تغییر داده است، دوستی ما ممکن است تفاوت زیادی در حیات ابدی آنان ایجاد نکند. مطمئناً، ممکن است با اطرافیانمان لحظات خوب و خوشی را داشته باشیم، اما خدا ما را برای هدفی بیشتر از سرگرم کردن اطرافیانمان فراخوانده است. دوستی با مردم به تنهایی برای آوردن آنان نزد مسیح کافی نیست، اما رفتار خصمانه و نا خوشایند ما ممکن است مردم را از مسیح دور کند.

پولس رسول به ما یادآوری می کند «حقیقت را با روح محبت بیان کنیم» (افسیسیان ۴: ۱۵). پیوندهای دوستی وقتی ایجاد میشوند که ما تا حد امکان با افراد بر سر مسائل هم عقیده باشیم، موافقت خود را اعلام کنیم، و در جایی که متناسب باشد از آنان تعریف و تمجید کنیم. بسیار مهم است که ما عادت کنیم در افراد به دنبال دیدن خوبی ها و نه بدی های آنان باشیم.

دوم تسالونیکیان ۱: ۱ تا ۴ را بخوانید. برخی از موارد خاص را ذکر کنید که پولس به خاطر آنها از تسالونیکیان تعریف می کند.

به نظر می رسد، کسانی هستند که از پیدا کردن اشتباهات دیگران خوشحال میشوند. به نظر می رسد آنان خرسند میشوند، اگر بتوانند خطایی را در کسی پیدا کنند، چون دلیل

دیگری به غیر از این نمیتواند باعث شود که آنان در مورد خود احساس بهتری داشته باشند.

پولس رسول برعکس افرادی که در بالا از آنان صحبت کردیم، نگرش متفاوتی داشت. او به دنبال نکات مثبت در کلیساهای بود که در آنجا خدمت میکرد. مطمئناً او خطا را ملامت میکرد و بر گناه چشم پوشی نمیکرد، اما تمرکز و توجه او بر روی ترویج و رشد کلیساهای بود که تاسیس کرده بود. یکی از روش‌های او برجسته و مهم نشان دادن آنچه بود که آنها درست انجام میدادند.

اظهارات خانم الِن جی وایت در مورد اهمیت روابط خوشایند و مثبت قابل توجه است. «اگر ما خودمان را در برابر خداوند فروتن کنیم، و مهربان، مؤدب و دلسوز و غمخوار [سرشار از ترحم] باشیم، به جای اینکه یک نفر متحول شده و به حقیقت روی بیاورد، صدها تن متحول شده به حقیقت روی خواهند آورد» (شهادتنامه‌ها برای کلیسا، جلد ۹، صفحه ۱۸۹).

برای لحظه‌ای در مورد اظهارات بالا تأمل کنید. این چه مفهومی برای کلیسای شما میتواند داشته باشد، اگر مهربانی، حسن نیت، صمیمیت، و ترحم (محبت) از قلب هر عضو سرچشمه گیرد. کلیسایی مانند این چگونه کلیسایی خواهد بود؟ به قلب خود بنگرید و از خودتان بپرسید چگونه میتوانید در این زمینه رشد کنید.

۵ شهریور

چهارشنبه

اساس پذیرش

رومیان باب ۷:۱۵ و افسسیان باب ۴:۳۲ را بخوانید. پایه و اساس همه روابط مقبول را چگونه توصیف می‌کنید؟ ماهیت و جوهره یک رفتار مقبول چیست؟

در آیات فوق الذکر، پولس رسول اصولی را ارائه می‌کند که برای پذیرش و مقبولیت ما نسبت به همدیگر بنیادین هستند.

از آنجاییکه مسیح هر یک از ما را بخشیده و پذیرفته است، چطور ممکن است که ما از بخشش و پذیرفتن یکدیگر امتناع ورزیم؟ در حقیقت، دقیقاً به همین دلیل که عیسی مسیح ما را پذیرفته، ما هم باید یکدیگر را بپذیریم حتی با وجود کاستی‌ها و معایبی که داریم.

در این مورد خوب فکر کنید، این به چه مفهومی است. فکر کنید، درباره خودتان و

در مورد برخی از کارهایی که انجام داده اید یا ممکن است در حال حاضر با آن دست و پنجه نرم می کنید، مسایلی که شاید فقط شما از آنها مطلع هستید، چیزهایی که اگر دیگران از آنها اطلاع داشتند، شما به هراس بیفتید.

با اینحال، این به چه معناست؟ شما بوسیله ایمان، در مسیح پذیرفته شده اید، کسیکه همه چیز را میداند گرچه ممکن است دیگران از آن نا آگاه باشند. بله، او همه چیز را درباره شما میداند ولی با اینحال شما را می پذیرد، نه به خاطر خوبی های شما یا اینکه سزاوار و شایسته هستید، بلکه به خاطر خودش.

پس، طرز برخورد شما در قبال دیگران چگونه باید باشد؟ در اینجا پیامی وجود دارد که درک آن برای برخی دشوار است. پذیرش واقعی دیگران بدان معناست که مردم را همانطور که هستند قبول کنیم، با وجود تمام خُلق و خواهی گناه آلوده آنها، زیرا آنان انسان هایی هستند که در شمائل خداوند افریده شده اند. از آنجاییکه مسیح به خاطر ما مُرد «هنگامیکه هنوز ما گناهکار بودیم» و «ما را خدا آشتی داد» هنگامیکه هنوز ما دشمن او بودیم، پس ما میتوانیم دیگران را ببخشیم و آنان را بپذیریم (رومیان ۵: ۶ تا ۱۰). اما هنگامیکه یک رابطه دوستانه و خیرخواهانه ایجاد شد، اغلب لازم است، تا فرد مقابل، با محبت و مهربانی با حقایق کتاب مقدس آشنا شود. کوتاهی در انجام اینکار، چشم پوشی از محبت کردن است. ما به عنوان یک دوست باید به دوستانمان اهمیت بدهیم و حقایق حیات ابدی را با آنان در میان بگذاریم.

بینش مسیح این چنین نبود که بگوید، «هرکاری که میخواهی انجام ده و آن صحیح است. و من هنوز تو را می پذیرم». نگرش او این چنین بود، «مهم نیست که شما تا به حال چه کاری انجام داده اید، من آماده هستم که شما را ببخشم و شما را قادر سازم تا تغییر کنید». وقتی حقایق کتاب مقدس با فروتنی مسیح وار و رفتاری مهربانانه بیان شود، قلبها را بسوی خود جلب میکند و باعث متحول شدن زندگی ها میشود.

چگونه ممکن است یک فرد را بدون اینکه رفتار گناه آلوده او را قبول داشت، پذیرفت؟ چگونه میتوانیم فردی را بپذیریم، در حالیکه در عین حال، با گناه سازش و بر آن چشم پوشی نکرده ایم؟

۶ شهریور

پنجشنبه

بیان حقیقت بطور محبت آمیز

عیسی مسیح «به خاطر محبت» از گفتن حقیقت اهمال نکرد، زیرا در اینصورت دیگر محبت نبود. محبت همیشه بهترین را برای دیگران میخواهد. هیچ تضادی بین محبت و حقیقت وجود ندارد. حقیقتی که با محبت و فروتنی بیان شود، بیانگر محبت است. مسیح فرمود، «من راه و راستی و حیات هستم؛ هیچکس جز به واسطه من، نزد پدر نمی

آید» (یوحنا ۱۴: ۶). عیسی تنها راه نجات است (اعمال ۴: ۱۲). ما بوسیله فیض او نجات یافتیم تا بتوانیم حقیقت را بشناسیم و در او حیات نو یابیم و در او زندگی کنیم. حقیقت بدون محبت منجر به خدشه دار شدن رستگاری میشود، زیرا که حیات روحانی را از بین میبرد. بنابراین «محبت» بدون حقیقت باعث پیروی از عواطف و احساسات بدون معنا و مفهوم میشود و فرد را در دریای بی اعتمادی رها می کند. ثمره حقیقت بیان شده بوسیله محبت یک تجربه معتبر مسیحی است که یک هدف روشن، معنادار، و مشخص را ارائه میدهد.

اول پطرس باب ۳: ۱۵؛ دوم تیموتائوس ۴: ۲؛ و تیتوس ۳: ۴، ۵ را بخوانید. چه عباراتی در این آیات بیانگر هماهنگی بین بیان حقیقت کتاب مقدس و یک روح مهربان و فروتن است؟

نویسندگان عهد جدید هرگز محبت را بر بیان حقیقت ارجح ندانستند. آنها با لطافت و به زیبایی محبت را با بیان حقیقت، فیض را با شریعت، و شفقت را با صداقت در هم آمیختند. پطرس به یاران ایماندارش توصیه می کند «همواره آماده باشید تا هرکس دلیل امیدی را که در شماست بپرسد، او را پاسخ گوید، اما با نرمی و با احترام» (اول پطرس ۳: ۱۵). به عبارت دیگر، شما باید بدانید که به چه چیزی اعتقاد دارید، چرا به آن اعتقاد دارید، و قادر باشید تا آنچه را که اعتقاد دارید، و دلیل آن را توضیح دهید. این بدان معنا نیست که شما همه پاسخها را بدانید و یا باید قادر باشید تا دیگران را به آنچه که معتقد هستید، متقاعد کنید. این بدان معناست که فقط با «نرمی و با احترام» بیان کنید، فقط همین، تا بتوانید با تواضع و مناعت طبع درباره موضوعات مورد مناقشه، از ایمان خود دفاع کرده و آنرا توضیح دهید.

پولس رسول به همکار جوان خود توصیه میکند، «کلام را موعظه کنی و به گاه و به بیگاه آماده این کار باشی و با صبر بسیار و تعلیم دقیق، به اصلاح و توییح و تشویق بپرداز» (دوم تیموتائوس ۴: ۲). او به تیتوس یادآوری می کند که این شفقت و محبت خداست که کسانی را که در او حیات تازه یافتند، نجات یابند (تیتوس ۳: ۵).

ما نیز فراخوانده شده ایم تا حقیقت را با محبت، صبوری و فروتنی بیان کنیم. پروردگار ما از ما دعوت می کند تا با یک بینش مهربانانه و گیرا در رساندن پیام او در مورد روزهای آخر برای دنیائی که بدون مسیح در حال مرگ است، به او بپیوندیم.

اگر شخصی از شما سؤال کند، «چرا شما مسیحی هستید؟» شما چه پاسخ خواهید داد، و چرا؟

تفکری فراتر: «در مسیح حساسیت یک شبان دلسوز، محبت یک پدر و مادر، و فیض بی همتای منجی مهربان وجود دارد. او برکاتش را با لحنی جذاب و گیرا بیان می کند. او فقط با اعلان آنها راضی نمی شود؛ بلکه او عطایا را با شیواترین روش بیان می کند تا در هر کس اشتیاق دریافت آنها را ایجاد کند. بنابراین، خادمین او باید گنجینه با شکوه و جلال عطایای توصیف ناپذیر او را معرفی کنند. محبت شگفت انگیز مسیح قلبهای سخت را نرم و تسلیم میسازد، در حالیکه تکرار اصول تعالیم کاری را از پیش نمی برد.» قوم مرا تسلی دهید، آنها را تسلی دهید!..... صهیون اعلام کن! فریاد بزن و ترسان نباش، به شهرهای یهودا بگو که خدای آنها می آید! خداوند قادر متعال می آید تا با قدرت حکومت کند، او با خودش قومی را که نجات داده است، خواهد آورد. او مثل یک شبان از گلّه خود محافظت خواهد کرد. او بزه ها را با هم جمع می کند و آنها را در آغوش خود به آغل می برد. و میش ها را هم با ملایمت، هدایت می کند» (اشعیا ۴۰: ۱، ۹ تا ۱۱). (ال ن جی وایت، آرزوی اعصار، صفحات ۸۲۶، ۸۲۷).

سؤالاتی برای بحث

۱. متاسفانه، برخی با بیان و اشاره به خطایای دیگران، احساس بهتری درباره خود می کنند. چگونه میتوانید مطمئن باشید که در زمره این افراد نیستید؟
۲. این موضوع را در نظر بگیرید: دوستی، تازه از مراسم تشییع جنازه برگشته است و اظهار میدارد: «من بسیار خوشحالم که الان عمه ام در بهشت است و مرا را نظاره می کند. و من از این مطلب احساس خوبی دارم». براساس اصولی که در این هفته در این درس مطالعه کردیم، عکس العمل شما چگونه خواهد بود؟ یعنی، با اینکه وضعیت انسان بعد از مرگ مسئله مهمی است، چرا ممکن است زمان خوبی برای صحبت کردن با شخص در مورد موضوع کتاب مقدس درباره این موضوع نباشد؟
۳. با توجه به وظیفه شاهد بودن ما، به بحث در مورد موضوع زیر پردازید: کنکاش پلیدی در دیگران، منجر به شکل گرفتن پلیدی در تفحص کنندگان میشود. با تمرکز بر روی خطایای دیگران، ما هم شبیه آنان میشویم. اما با دیدن چهره مسیح که از محبت و کمال ذات آنان صحبت می کند، ما متحول میشویم و به شکل مسیح در می آییم. با اندیشیدن به ایده والایی که او در اختیار ما گذاشته، ما به عالم پاک و مقدس ملکوت، حتی تا به حضور خداوند تعالی می یابیم. هنگامیکه ما بر روی زمین ساکن هستیم، نوری که از ما ساطع میشود، بر روی تمام کسانی که با آنان در ارتباط هستیم، می تابد» (ال ن جی وایت، کارگران انجیل، صفحه ۴۷۹).